

ذخیره خوارزمشاهی

کتاب اول

تألیف سید اسماعیل جرجانی

به اهتمام گروه بررسی دمان های طبیعی نور

(گزینش متن، برگرداندن و ساده نویسی، لطیف مائوم راجج)

(مرجان ساعتی، مجید کریمیار، معصومه امین و بهتان، رضا طاهر)

به فیض
انتشارات نامیرای نجف

سرشناسه	: جرجانی، اسماعیل بن حسن، ۴۳۴ - ۵۳۱ق.
عنوان قراردادی	: ذخیره خوارزمشاهی . برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: ذخیره خوارزمشاهی /تالیف سیداسماعیل جرجانی ؛ به اهتمام گروه بررسی درمان های طبیعی نور مرجان ساعتی ... [و دیگران].
مشخصات نشر	: کرج: نامیرای نیک، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص: مصور(رنگی) ، نمودار ؛ ۲۹×۲۲س.م.
شابک	: دوره: ۳-۰-۹۵۷۶۲-۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۱. ج. ۱: ۷-۲-۹۵۷۶۲-۰۰-۹۷۸-۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: گروه بررسی درمان های طبیعی نور مرجان ساعتی، مجید کریمیار، معصومه امین دهقان، رضا طاهری.
یادداشت	: کتابنامه
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: پزشکی اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: نشر فارسی -- قرن ۶ق.
موضوع	: اخلاط چهارگانه
شناسه افزوده	: گروه بررسی درمان های طبیعی نور
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۳۰۱۳ ذ ۴۳۰/۳ R۱۲۸
رده بندی دیویی	: ۶۱۰/۹۱۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۹۳



عنوان: ذخیره خوارزمشاهی (کتاب اول)
تألیف: سید اسماعیل جرجانی
به اهتمام: گروه بررسی درمان های طبیعی نور (مرجان ساعتی، مجید کریمیار، معصومه امین دهقان، رضا طاهری)
ناشر: انتشارات نامیرای نیک
نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۵
چاپ و صحافی: چاپ هنر
طراحی روی جلد: هیبت احمدی
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
بها: ۴۰۰۰۰۰ ریال
شابک دوره: ۳-۰-۹۵۷۶۲-۰۰-۹۷۸-۶۰۰
شابک کتاب اول: ۷-۲-۹۵۷۶۲-۰۰-۹۷۸-۶۰۰
نشانی: شهر جدید هشتگرد، فاز ۱، خیابان گلدهشت، بین گلدهشت ۴ و ۵، مجتمع پارسه، طبقه اول، واحد ۲
صندوق پستی: ۳۳۶۱۹۴۷۸۳۷
تلفن و فکس: ۰۲۶-۴۴۲۶۳۱۰۱
تلفن همراه: ۰۹۳۸۱۶۱۲۳۱۹
نشانی پست الکترونیکی: Namirayeni@yahoo.com

فهرست مطالب

۱۱	دیباچه
۱۵	دربارهٔ سید اسماعیل جرجانی
۱۹	پیشگفتار
۲۱	مقدمهٔ کتاب ذخیرهٔ خوارزمشاهی
۲۵	گفتار اول: بیان حدود طب و فایدهٔ آن - بیان عناصر
۲۷	باب اول: بیان حد طب و بخش علمی و عملی آن
۲۹	باب دوم: شناخت فایدهٔ طب
۳۰	باب سوم: شناخت عناصر چهارگانه
۳۵	گفتار دوم: شناخت مزاج
۳۷	باب اول: شناخت و معرفی مزاج که چیست و چگونه پدید می‌آید
۴۲	باب دوم: شناخت مزاج سال‌های عمر و شناخت مرگ طبیعی
۴۳	باب سوم: شناخت مزاج اصلی
۴۴	باب چهارم: شناخت مزاج مردان و زنان
۴۴	باب پنجم: شناخت مزاج چاقی و لاغری
۴۵	باب ششم: عادت‌ها
۴۶	باب هفتم: شناخت نشانه‌های مزاج معتدل و نامعتدل به طور کلی
۴۷	باب هشتم: شناخت مزاج هر اندامی
۴۷	فصل اول: شناخت مزاج‌های مغز
۴۸	فصل دوم: شناخت مزاج‌های چشم
۴۸	فصل سوم: شناخت مزاج‌های قلب
۴۹	فصل چهارم: شناخت مزاج‌های کبد
۵۰	فصل پنجم: شناخت مزاج‌های معده
۵۱	فصل ششم: شناخت مزاج بیضه‌ها و مجاری منی

۵۳	گفتار سوم: شناخت اخلاط چهارگانه
۵۵	باب اول: شناخت خلط و انواع آن
۵۵	باب دوم: شناخت انواع حالت‌های خون
۵۶	باب سوم: شناخت انواع حالت‌های بلغم
۵۷	باب چهارم: شناخت انواع حالت‌های صفرا
۵۹	باب پنجم: شناخت انواع حالت‌های سودا
۶۱	باب ششم: شناخت چگونگی پدید آمدن اخلاط در بدن و اینکه چگونه با هم در یک بدن قرار می‌گیرند و چگونه به وسیله دارو از هم جدا و دفع می‌شوند
۶۷	گفتار چهارم: شناخت اندام‌های یکسان
۶۹	بخش اول: شناخت استخوان‌ها و غضروف‌ها
۶۹	باب اول: شناخت استخوان‌ها و غضروف‌ها به طور کلی
۷۳	باب دوم: شناخت استخوان‌های سر
۷۵	باب سوم: شرحی استخوان‌های فک بالایی و پایینی
۷۸	باب چهارم: تشریح دندان‌ها
۷۸	باب پنجم: تشریح مفاصل‌های گردن و پشت تا مهره‌های باسن
۸۸	باب ششم: تشریح استخوان‌های قفسه سینه
۸۹	باب هفتم: تشریح استخوان‌های دست
۸۹	باب هشتم: تشریح استخوان‌های پایی (ترقوه)
۹۱	باب نهم: تشریح استخوان‌های کتف
۹۲	باب دهم: تشریح استخوان‌های دست
۹۷	باب یازدهم: تشریح استخوان‌های تهیگه
۹۷	باب دوازدهم: تشریح استخوان‌های پا
۱۰۶	بخش دوم: شناخت عضلات
۱۰۷	باب اول: تشریح عضله و منفعت آن و آنچه به عضله متعلق می‌شود
۱۰۸	باب دوم: شناخت عضلاتی که حرکت اندام‌های صورت از طریق آنها انجام می‌شود
۱۱۳	باب سوم: شناخت عضلات سر و گردن
۱۱۶	باب چهارم: تشریح حنجره و استخوان لامی و عضله‌های حنجره
۱۲۰	باب پنجم: شناخت عضلات حلق
۱۲۱	باب ششم: شناخت عضلات زبان
۱۲۱	باب هفتم: شناخت عضله‌های کتف
۱۲۴	باب هشتم: شناخت عضلات دست
۱۳۳	باب نهم: تشریح عضلات تنفسی که سینه و دنده‌ها را به حرکت در می‌آورند
۱۴۰	باب دهم: تشریح عضلات پشت
۱۴۴	باب یازدهم: تشریح عضلات شکم
۱۴۴	باب دوازدهم: تشریح عضلات تناسلی مرد، بیضه‌ها و مقعد
۱۴۶	باب سیزدهم: تشریح عضلات پا
۱۵۶	بخش سوم: تشریح اعصاب

۱۵۹	باب اول: شناخت اعصاب و فایده عمومی آن
۱۵۹	باب دوم: شناخت عصب هایی که از مغز منشاء می گیرند
۱۶۳	باب سوم: شناخت اعصابی که از نخاع منشاء می گیرند و از مهره های گردن خارج می شوند
۱۶۶	باب چهارم: شناخت عصب هایی که از نخاع و از مهره های پشتی خارج می شوند
۱۶۷	باب پنجم: شناخت اعصابی که از مهره های کمری خارج می شوند
۱۶۷	باب ششم: شناخت اعصابی که از مهره های خاجی و دنبالچه خارج می شوند
۱۶۷	بخش چهارم: شناخت رگ هایی که از کبد خارج می شوند و به آنها ورید می گویند
۱۶۹	باب اول: تشریح رگ هایی که از کبد منشاء می گیرند
۱۷۰	باب دوم: شناخت ورید اجوف که به نیمه بالایی می رود
۱۷۵	باب سوم: شناخت ورید های دست
۱۷۸	باب چهارم: تشریح بخش دوم ورید اجوف
۱۸۲	بخش پنجم: شناخت شریان ها
۱۸۲	باب اول: تعریف و توضیح شریان به طور کلی
۱۸۵	باب دوم: شناخت شریان وریدی
۱۸۶	باب سوم: شناخت شریان بزرگ
۱۸۶	باب چهارم: شناخت شریانی که به سمت بالا می رود
۱۸۸	باب پنجم: شناخت شریان سباتی
۱۸۸	باب ششم: شناخت شریانی که به سمت پایین می آید
۱۹۰	باب هفتم: شناخت شریان های پا و وریدها همراه هستند
۱۹۵	گفتار پنجم: تشریح اندام های مربوط
۱۹۷	باب اول: اجزاء سر و تشریح مغز
۲۰۱	باب دوم: تشریح چشم
۲۰۷	باب سوم: تشریح گوش
۲۰۷	باب چهارم: تشریح بینی
۲۰۷	باب پنجم: تشریح زبان
۲۱۰	باب ششم: تشریح حنجره و حلق
۲۱۳	باب هفتم: تشریح نای و ریه
۲۱۵	باب هشتم: تشریح قلب
۲۱۷	باب نهم: تشریح مری و معده
۲۲۲	باب دهم: تشریح کبد
۲۲۴	باب یازدهم: تشریح کیسه صفرا
۲۲۶	باب دوازدهم: تشریح طحال
۲۲۸	باب سیزدهم: تشریح روده ها
۲۳۲	باب چهاردهم: تشریح کلیه
۲۳۴	باب پانزدهم: تشریح مثانه
۲۳۷	باب شانزدهم: تشریح بیضه و آلت تناسلی مرد
۲۳۸	باب هفدهم: تشریح رحم

۲۴۳	گفتار ششم: معرفی قوا
۲۴۵	باب اول: شناخت عمومی قوا
۲۴۵	باب دوم: معرفی قوه طبیعی
۲۵۱	باب سوم: معرفی قوه حیوانی
۲۵۴	باب چهارم: معرفی قوای انسانی
۲۵۵	باب پنجم: کنش یا عملکرد اندام ها، تحت تأثیر چند قوه صورت می گیرد؟
۲۶۱	نمایه
۲۷۲	کتابنامه

www.ketab.ir

دیباچه

وقتی برگ‌های تاریخ پُر اوج و فرود کشورمان را ورق می‌زنیم، نام بی‌شمار دانشمند، عارف، فیلسوف، طبیب، منجم، ریاضی‌دان، ادیب و ... بر صفحات آن می‌درخشد که وجود پُر افتخار هر کدام به تنهایی برای پُر ارج کردن تاریخ یک کشور، به راستی بسنده است. در این میان در نیمهٔ دوم قرن پنجم هجری، تاریخ این سرزمین، فرزندی دیگری از آستان علم طب به جهانیان معرفی می‌کند؛ او سید اسماعیل جرجانی، دانشمند و پزشک شهیر و گرابهٔ نراسی است که با آثار علمی ماندگار خود، سرآمد اطباء و دانشمندان عصر خود محسوب می‌شد و از آنجایی که برخاسته از رسم معمول آن زمان در تحریر متون، یعنی عربی نگاری، تمامی آثار خود را به زبان فارسی به نگارش درآورد، به پیکر دانش طب که پس از ابوعلی سینا کمی رنگ باخته بود، جانی تازه بخشید. به این واسطه، ارزش آثار او را باید به بنیانگذار دوبارهٔ طب فارسی می‌دانند.

از میان آثار ارزشمند این دانشمند، ذخیرهٔ خوارزمشاهی کتابی پُرمایه و جامع در زمینهٔ طب است که جزء کتاب‌های پایهٔ طب محسوب می‌گردد. این کتاب، جلدی را می‌توان یک دایرة المعارف طبی کامل معرفی نمود که آگاهی و اشراف بر آن برای طالبان طب سنتی، امری بایسته است، اما متأسفانه مشکل دیرپایی و آمیخته بودن متون این چنینی با کلمات قدیمی و نامأنوس و حجم سنگین کلمات عربی، همواره مانعی پُر دافعه برای بسیاری از طالبان و علاقه‌مندان این رشته در مطالعهٔ این اثر بوده است.

از سوی دیگر، این تصور که برگرداندن و ترجمهٔ متون قدیمی، سبک و سیاق خاص خود را دارند، به زبان روز، قطعاً مستلزم دخل و تصرف در محتوای آنهاست، سبب گردیده که مخزن کتابخانه‌ها مکانی برای خاک خوردن و بوسیدن این آثار گردد، همچنین سبب گردیده که حداکثر کاری که طی سالیان اخیر برای متون این چنینی شده، صرفاً حاشیه‌نویسی، ترجمهٔ واژه‌ها در پاورقی، تصحیح متون و تهیهٔ یک واژه‌نامه یا فرهنگ لغت در انتهای اثر مورد نظر باشد. قصد ما نادیده گرفتن این زحمات نیست. بدیهی است که همهٔ این اقدامات در جای خود ارزنده و مغتنم‌اند، اما برای کاربردی ساختن یک دانش کهن به هیچ وجه کارگشا نیستند، زیرا این اقدامات در نهایت بخشی از مشکلات متن را برای خواننده حل می‌نمایند، اما بسیاری از اشکالات مربوط به درک مفاهیم این آثار، همچنان ناگشوده باقی خواهند ماند و لاجرم خواننده در دریافت

مفهوم اصلی دچار سرگردانی می‌شود، در حالی که برگرداندن سطر به سطر متن به زبان ساده و روان، از یک سو سبب تبادر سریع مفاهیم به ذهن می‌شود و از سوی دیگر، فرصت تجزیه و تحلیل مطالب را به خواننده می‌دهد.

موضوع دیگر، وجود کلمات نامأنوس و دیرآشنا در متون این چینی است که اگر قرار به ترجمه آثار فوق به زبان‌های دیگر باشد، برگرداندن آنها در همین شکل قدیمی و کهن خود، دشوار و اغلب غیرممکن است؛ به عنوان مثال تصور کنید که بخواهیم کلماتی از قبیل "ترنجیدن"، "سرگشتن"، "بردوسیدن"، "بیزیدن"، "فنجسج"، "آژدن" و صدها کلمه دیگر این چینی را بدون برگرداندن آنها به زبان روز، به زبان‌های دیگر ترجمه کنیم، قطعاً کاری بس دشوار است؛ بخصوص آنکه برخی از این واژه‌ها را باید در قالب یک عبارت معنا نمود.

مشکلات این چینی، گروه بررسی درمان‌های طبیعی نور را که سابقه سی و چند ساله در احیاء، اشاعه و ارتقاء طب سنتی و علوم ایرانی دارد، بر آن داشت تا در راستای اهداف خود، احیاء، ارتقاء و نشر متون کهن طب سنتی را یک ضرورت جدی تلقی نموده، به جای وسواس‌های ادبی مآبانه که محصول آن دست نه‌برده و غیرقابل استفاده ماندن این متون است، به کاربردی‌سازی و قابل استفاده ساختن متون کهن دست ببرد، از این رو از میان متون طبی، ذخیره خوارزمشاهی را به دلیل امتیازات ویژه این کتاب، برگزیده کار برگرداندن آن را به همت تعدادی از اعضای برجسته خود اعم از پزشکان و محققان طب سنتی در سال ۱۳۷۶ آغاز نمود. البته به دلیل تحقیقات گسترده این گروه در شاخه‌های دیگر علوم ایران، کار برگرداندن این کتاب، به تدریج و در فواصل صورت می‌گرفت تا اینکه سرانجام به فصل و عنایت الهی، این کار، سامان یافت و کتاب اول اکنون پیش روی شماست.

برای این منظور از میان نسخه‌های چاپ شده ذخیره نسخ مرحوم سعیدی سیرجانی را که گویا کهن‌ترین نسخه کامل این کتاب است و آن را در سال ۱۳۵۵ ش. چاپ عکسی در ۷۴۵ صفحه بزرگ در بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرده است، برگزید. تاریخ تحریر این نسخه، سال ۶۰۳ ه.ق است. قابل ذکر است که ناخوانا بودن برخی از واژه‌ها در این نسخه ما را ناگزیر از رجوع به نسخه دیگر کرد. این نسخه، نسخه خطی‌ای است که تاریخ تحریر آن سال ۵۸۲ ه.ق است که کاتب آن عبدالکافی ابن ابی البرکات ابن ابی‌الغنائیم بن الظفر است و در مجموعه نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. مشکل ناخوانا بودن اغلب کلمات و عبارات با توجه به این نسخه حل شد و در پاورقی صفحاتی که مشکل عبارات با توجه به این نسخه حل شده است، تحت عنوان نسخه عبدالکافی ذکر شده است.

نکته دیگری که توضیح آن ضروری است، این است که هدف گروه، صرفاً ارائه یک متن برگردانده شده روان و سلیس نبوده بلکه در جهت ارتقاء این دانش اصیل، تلاش شده حتی المقدور بین مطالب این متن با نکات پزشکی روز، در پاورقی صفحات، مقایسه‌ای صورت بگیرد تا متن، برای خوانندگان، بیشتر کاربردی و راهبردی شود. در این راستا در برخی از مجلدات این کتاب مانند کتاب اول در بخش تشریح، تصاویری از آناتومی راجع به متن اضافه شده است که در متن اصلی ذخیره این تصاویر وجود ندارد، به همین

دلیل گروه، ناگزیر از استفاده از تصاویر آناتومی رایج بود. بی‌شک بین این تصاویر با آناتومی ذخیره، تفاوت‌هایی وجود دارد، اما سعی شده که تا حد ممکن انطباق انجام گیرد.

در توضیح مقایسه تطبیقی متن ذخیره با طب رایج، قابل ذکر است که در برخی موارد بخصوص در مبحث تشریح، عدم انطباقی بین مطالب دیده می‌شود. در این زمینه این توضیح را لازم می‌دانیم که بنیان پزشکی رایج بر دانش طب گذشته استوار است و در حقیقت علم پزشکی، جریانی است که از گذشته شروع شده و همچنان ادامه دارد. در این مسیر، به مدد پیشرفت‌های تکنولوژیکی، ابزارهایی پدید آمده که این ابزارها قدرت نمایش دادن اجزایی از بدن را دارند که دانشمندان گذشته قادر به دیدن آن اجزاء نبودند. از سوی دیگر، طب سنتی، دانشی مبتنی بر وحی و تعالیم انبیاء و اولیاست و اگر مطلبی در آن ذکر می‌گردد که دانشمندان امروز به آن مطالب دست نیافته‌اند و نمی‌توانند علم روز را با آن مطالب تطبیق دهند، دلیل بر خطا بودن علوم حکمای گذشته نیست؛ چنانکه به تجربه ثابت گردیده که بسیاری از مطالبی که در گذشته در دانش طب ایرانی وجود داشته، به مرور زمان در عرصه پزشکی رایج دوباره کشف و ثبت گردیده است که قطعاً پیش از کشف دوباره آنها با دیده شک و تردید و انکار به این مطالب نگاه می‌شده.

علاوه بر این، چنانکه می‌دانیم علوم روز، در قالب فرضیات ارائه می‌شوند که عمر بسیاری از این فرضیات، متجاوز از یک دهه نیست، بنابراین دستاوردهای علوم روز هم قطعیت ندارند و ما نمی‌توانیم مدعی آن شویم که کشفیات علوم روز، آخرین حد این علوم است، زیرا قطعاً در آینده با پیشرفت علم و با آشکار شدن جهان‌های پیچیده که امروزه ما هم علمی به آنها نداریم، این حدود و مقیاس‌ها تغییر خواهند کرد. بنابراین به جای آنکه مجموعه فرضیات خرد را علم حقیقی و قطعی بدانیم و دچار غرور ناشی از آن شویم، عمیقاً به این فرمایش خداوند که لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء^۱ (و به چیزی از علم او احاطه و آگاهی نیابند، مگر به آن مقدار که او بخواهد) ایمان و یقین داشته باشیم.

نکته دیگر آنکه در تمامی مجلدات این کتاب سعی بر این بوده که در کنار برگرداندن متن و توضیح اسامی و بیماری‌ها در پاورقی، داروها اعم از مفرده و ترکیبی بر اساس فرهنگ‌ها و قرابادین‌های موجود به ویژه تحفه حکیم مؤمن، مخزن الادویه، قرابادین کبیر، خلاصه الحکمة، کسیر اعظم و ... که از نظر زمانی در مقایسه با ما فاصله کمتری با زمان نگارش کتاب ذخیره دارند توضیح داده شوند؛ ضمن اینکه در مواردی هم داروهای مرکب بر اساس قرابادین ذخیره و سایر آثار جرجانی مانند اعراض^۲ به توضیح داده شدند.

سخن پایانی اینکه هدف در این اقدام، آن بوده که متنی سلیس و روشن، ویراسته از اغلاط، آراسته به توضیحات مفید و مناسب، با رعایت امانتداری کامل نسبت به حفظ محتوا تقدیم به جویندگان این علم گردد. در زیر، نمونه‌هایی از متن اصلی به همراه متن برگردانده شده آن آورده می‌شود.

نمونه متن انتخابی از کتاب اول:

باب دوم از گفتار نخستین اندر شناختن منفعت طب

«باید دانست کی تن مردم چیزی است ترکیب کرده‌اند از ماده‌ی و صورتی و ماده چیزی است فراز هم آورده از چهار مایه یک با دیگر ناسازنده و ناگنجنده اعنی هرگاه کی هر چهارمایه از هر یکدیگر جدا

باشند فعل و طبع و جایگاه هر یک دیگر باشد و از یکدیگر گریزان باشند و یکدیگر را تباه کنند پس تن مردم به سبب ناسازندگی مایه‌ها کی ماده او از آن فراز هم آورده‌اند ناچار تباه شونده است ...». (ص ۵)

متن برگردانده شده:

باب دوم از گفتار اول: شناخت فایده طب

باید دانست که بدن انسان، مرکب از ماده و صورت است؛ ماده، چیزی است که از چهار عنصر تشکیل شده است. این چهار عنصر با یکدیگر ناسازگارند و در یک جا نمی‌گنجند؛ به این معنا که به صورت جدا و مستقل از یکدیگر، هر کدام عمل، طبع و جایگاه خاص خود را دارند، از یکدیگر می‌گریزند و سبب تباهی و فساد یکدیگر می‌شوند، بنابراین بدن انسان به دلیل ناسازگاری عناصری که در تشکیل بخش مادی آن شرکت کرده‌اند، به ناچار از بین خواهد رفت ...

نمونه متن انتخابی از کتاب هفتم:

باب چهارم: اندر بیرون آمدن سر سفت از جای خویش

«سر سفت را تا منکب گویند و به شهر من دوش گویند و این بندگاهی است کی آسان از جای بیرون آید و بیرون آمدن آن چنان بود کی مهره استخوان بازو از مفاک سر کتف بیرون آید و این بسیار افتد از بهر آنک مفاک سر کتف سخت مهر نیست تا مهره نیک اندر وی نشسته باشد و رباطها نیز آن را سخت محکم گرفته باید و حرکت‌های گوناگون توان کرد و بیرون آمدن جز آن فروسو نباشد از بهر آنک از بالا افراستگی سر دوش او را باز دارد و این سبب مانعی نیست بدین سبب چون در جای بیرون آید فروسو تواند آمدن». (ص ۶۰۵)

متن برگردانده شده:

باب چهارم: خارج شدن سر کتف از جای خود

به سر کتف در زبان عربی، "منکب" و در شهر من "وش" گفته می‌شود. سر کتف، مفصلی است که به آسانی از جای خود خارج می‌شود و از جا درآمدن آن به این اتفاق می‌افتد که سر برآمده استخوان بازو از حفره سر کتف خارج می‌گردد. از جا درآمدن سر کتف بسیار اتفاق می‌افتد، زیرا حفره سر کتف، عمق زیادی ندارد تا سر برآمده بازو به طور کامل در آن بنشیند و رباطها نیز آن را خیلی محکم نمی‌کنند تا بتواند حرکتهای مختلف را انجام دهد. خارج شدن سر کتف تنها به سمت پایین اتفاق می‌افتد، زیرا برآمدگی سر کتف از بالا و خود کتف از ناحیه پشت مانع از آن می‌گردند. از سمت داخلی نیز ممکن است کمی حرکت کند، اما از سمت پایین هیچ مانعی وجود ندارد، به همین دلیل وقتی از جا خارج می‌شود، به سمت پایین حرکت می‌کند.

پیشگفتار

کتاب اول، *خیره خوارزمشاهی*، کتابی است که به منظور شناخت حدود طب و فایده آن برای عموم افراد، در شش گفتار، نگارش یافته است. نویسنده این کتاب، سید اسماعیل جرجانی، در گفتار اول، دوم و سوم، پس از بیان حدود طب و ته‌ضیح بخش علمی و عملی آن و ذکر فایده دانش طب، به توضیح مفصل مبانی و اصول طب سنتی یعنی شناخت عناصر چهارگانه، شناخت مزاج کلی و مزاج اندام‌ها و شناخت اخلاط می‌پردازد.

پس از آن، در گفتار چهارم و پنجم، آناتومی و فیزیولوژی اندام‌ها را به نحو کامل و دقیقی مورد بررسی قرار می‌دهد.

در طی این گفتارها، سعی شده است که در نوشتن صفحات، بین مطالب ذکر شده در کتاب و نکات پزشکی روز، مقایسه‌ای صورت گیرد؛ ضمن آنکه در بخش مربوط به آناتومی، تصاویری از آناتومی رایج به آن اضافه شده است تا خوانندگان بتوانند مطالب را با دقت بیشتری دنبال کنند.

گفتار ششم کتاب به یکی از مباحث مهم طب سنتی یعنی شناخت قوا و انواع آن و تأثیر قوا بر عملکرد اندام‌ها اختصاص یافته است. از آنجایی که به منظور تسهیل درک مبحث قوا نیاز به ذکر توضیحات مفصلی از علوم رایج و پایه بود که سبب پُر حجم شدن کتاب می‌شود، به ذکر تطبیق مختصری در پاورقی بسنده نموده، توضیحات بیشتر در این زمینه را به کتاب مفصلی ماکول نزدیک کردیم.

ضمناً قابل ذکر است که در مواردی که احساس می‌شد، به دلیل جا افتادگی کلمه یا عبارتی در متن اصلی، مطلب به لحاظ محتوایی ضعیف است و خواننده در فهم آن دچار مشکل می‌شود، به کتاب *قانون ابن سینا* رجوع و در پاورقی به آن اشاره شد تا ابهام به طور نسبی رفع گردد؛ به عنوان مثال در صفحه ۴۲ در مقایسه اندام‌ها و اخلاط با پوست سر انگشتان، به نظر می‌رسد که واژه "خون" به عنوان یک خلط مهم مرطوب، جا افتاده که این مطلب در پاورقی براساس *قانون* توضیح داده شده است.